

این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست

در گذشت یکی از مفاخر ادب فارسی در عزلت

استاد بزرگ زبان و ادبیات فارسی و یکی از مفاخر فرهنگی، دکتر خسرو فرشیدورد، ده روز قبل در گوشه تنهایی و بیماری در "سرای سالمندان نیکان" به دیار باقی شتافت. متأسفانه تا کنون هیچ خبری در مورد درگذشت ایشان منتشر نشده است!

به گزارش وبلاگ فصل فاصله، دکتر میر خسرو فرشیدورد از استادان پیشکسوت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و دارای شهرت علمی جهانی و تحقیقات گسترده و دیدگاههای ویژه در عرصه دستور زبان بود. مقالات و کتابهای فراوانی در حوزه دستور زبان فارسی و زبان شناسی و نقد و تحقیقات ادبی از آن استاد درگذشته برجای مانده است.

دکتر فرشید ورد به زبان و شعر فارسی عشق و غیرت فراوان داشت. این شعر قدیمی که از مشهورترین سروده های وی هست به خوبی محبت او را به ایران و فرهنگ این سرزمین نشان می دهد:

این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست
این خاک چه زیباست ولی خاک وطن نیست

آن کشور نو، آن وطن دانش و صنعت
هرگز به دل انگیزی ایران کهن نیست

در مشهد و یزد و قم و سمنان و لرستان
لطفی ست که در کلگری و نیس و پکن نیست

در دامن بحر خزر و ساحل گیلان
موجی ست که در ساحل دریای عدن نیست

در پیکر گل‌های دلاویز شمیران
عطری ست که در نایفه آهوی ختن نیست

آواره ام و خسته و سرگشته و حیران
هرجا که روم هیچ کجا خانه من نیست

آوارگی و خانه به دوشی چه بلایی ست
دردی ست که همتاش در این دیر کهن نیست

من بهر که خوانم غزل سعدی و حافظ
در شهر غریبی که در او فهم سخن نیست

هرکس که زند طعنه به ایرانی و ایران
بی شبهه که مغزش به سر و روح به تن نیست

پاریس قشنگ است ولی نیست چوتهران
لندن به دلاویزی شیراز کهن نیست

هر چند که سرسبز بود دامنه آلپ
چون دامن البرز پر از چین و شکن نیست

این کوه بلند است ولی نیست دماوند
این رود چه زیباست ولی رود تجن نیست

این شهر عظیم است ولی شهر غریب است
این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست